

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

صباراهی

۲۰ جنوری ۲۰۱۸

برخورد به قلمی که اعتبار نظرش "گفته وزیر اطلاعات" است

قلمی نظر آلوده خود را با نام پرافتخار چریک فدائی خلق یوسف زرکاری، در مقاله ای با عنوان خیزشی برای نان، کار و آزادی – منتشر شده در سایت گزارشگران، ارائه داده است که این قلم سعی دارد تنها به سطر اول یا "مقدمه" آن نوشته و نتیجه گیری آن برخورد کند. برای اینکار ابتداء ناچار هستم که سطر اول نوشته را عیناً در زیر قرار دهم تأکید های خط کشی شده از من است:

"در هفتم دی ماه ۹۶ جمعی از مالباختگان، تهیدستان و محرومان توسط دارو دسته ولایت معاشان مخالف دولت روحانی به سرمدمداری امام جمعه مشهد (علم الهدا) برانگیخته شدند. معترضین در مقابل شهرداری مشهد و برخی فرمانداری های استان خراسان رضوی تجمع کرده و خواستار پاسخگویی مسؤولین به گرانی و عدم بازپرداخت سپرده های از دست رفته خود در مؤسسات مالی شده و شعار مرگ بر گرانی و مرگ بر روحانی سر دادند. (توجه کنید به گفته محمود علوی وزیر اطلاعات در گزارش به مجلس آخوندی: یک جریان سیاسی در ایجاد این وضعیت دخیل بوده است و یا گفته میدری معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی که در سخنانی می پرسد: کدام امام جمعه این حرکت را کلید زد؟- هر دو گفته نقل به معنی) وقتی که این اعتراضات با عدم پاسخگویی مسؤولان و سرکوب مواجه گردید، معترضین شعارهای مرگ بردیکتاتور، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، و مرگ بر خامنه ای را فریاد زدند و کنترل از دست سازمان دهندگان اولیه خارج گشت."

ببینید کسی که "گفته وزیر اطلاعات" را "پشتوانه" نظر خود قرار می دهد، چگونه می توان به سالم بودن قلم او باور داشت؟ همه مردم دنیا، نه ز الوهای سرمایه دار و حامیان آن، نقش وزارت اطلاعات را در به انحراف بردن مبارزات مردم و جنبش های مبارزاتی بخوبی می دانند، می دانند که وزارت اطلاعات رژیم های مستبد و به ویژه وابسته به امپریالیسم "اطلاعات شان" که در رسانه ها به خورد مردم می دهند در اتاق های " خبری - فکری" ابتداء عمل آورده شده و بعد آن را به بیرون منعکس می کنند، اطلاعاتی که معمولاً بنا به ماهیت کاری گلوئی حقیقت را آنچنان می درد که تنها گرگ ها و یا بره ها آن را باور می کنند، اطلاعاتی که با اهداف معین منافع طبقه استثمارگر یعنی ظالمان و ستمگران را به پیش می برد تا اذهان عمومی را از آن چه که در حال وقوع است منحرف کنند. این را در سراسر دنیا مردم بخوبی می دانند.

خوب وقتی قلمی در مقدمه نوشته اش "فاکت" از وزارت اطلاعات رژیم سرکوبگر اسلامی می آورد آیا باید به "صدافت انقلابی" قلم او باور داشت؟ ولو این که در سطر های بعدی نوشته اش که سعی داشته "ماهرانه" خود را "دلسوز" جا زده و برای نان و مسکن و آزادی اشک بریزد. نوشته ای که در واقع با فاکتی که از وزیر اطلاعات ارائه می دهد، برای "روحانی" که مورد غضب جناح رقیب قرار گرفته اشک می ریزد، شاید خودش رویش نمی شده بنویسد فاکت از دشمنان کارگران و زحمتکشان و بیکاران و محرومان می آرد. نوشته ای که با دست و دلبازی از وزارت اطلاعات فاکت می آورد تا به مردم بگوید "به خانه هایتان" برگردید چون رهبر انقلابی و کارآمد ندارید بگذارید "روحانی جلاد" به کارش برسد! البته ایشان هم گوش هایش کر بوده که دانشجویان در دانشگاه تهران فریاد سر دادند

اصلاح طلب اصولگرا / دیگه تمومه ماجرا!

اما نتیجه گیری "هوشمندانه" ای که ایشان ارائه می دهند عینا به شرح زیر است:

" شکست های حاصل از جنبش مشروطه، قیام های خیابانی و کلنل پسیان، جنبش گیلان و کوچک خان، جنبش ملی شدن نفت و مصدق، جنبش های چریکی فدائی و مجاهدین و انقلاب ۵۷، جنبش دانشجویی ۷۸ و جنبش به اصطلاح سبز ۸۸ همگی از بعد تاریخی، مؤید این ضعف مزمن و مستمر فقدان رهبری کارآمد و انقلابی است و در بعد مشخص، جنبش دی ماه [جدی] ۹۶ نیز به عینه مهر این فقدان رهبری در صحنه عمل و آثار مخرب آن را با خود دارد."

آثار مخرب؟ آیا مبارزه طبقاتی آثار مخرب هم دارد و ما نمی دانیم؟ یا این که مبارزه طبقاتی با تمام سرکوبی که توسط استعمارگران یعنی طبقه ظالم شده و می شود اما همواره در طول تاریخ دست آوردهائی هم به همراه داشته است؟ قصد ندارم به تک تک جنبش هائی که در نوشته ایشان نامبرده شده بپردازم چون هر کدام پروسه مبارزاتی و تاریخی خود را دارند اما این نتیجه گیری بسیار "منحرفانه" ایشان به خواننده چنین القا می کند که سر جایث بنشین، صدایت هم در نیاید از خانه ات هم بیرون نیا چون "رهبری انقلابی و کارآمد" نداری بگذار سرمایه داری خونخوار هر کاری می خواهد با زندگی و آینده تو بکند.

وی آگاهانه به هیچ وجه نقش دستگاه های سرکوب سپاه و وزارت اطلاعات، ساواک سرکوبگر، و اوامای جانشین ساواک و پدرخوانده اینها یعنی "سی آی ای" را در سرکوب مبارزات و جنبش ها حاضر نیست ببیند، چرا؟ می گوید جنبش ها "رهبری انقلابی و کارآمد" نداشتند، در حالی که خودش می گوید میرزا کوچک خان، یا مصدق! یعنی هر نادانی امروز با دسترسی به شبکه وسیع اینترنت مطلع شده که کودتای امریکائی انگلیسی ۲۸ مرداد [اسد] چطور توسط سی آی ای و ام آی شش انگلیس طراحی شده بود تا جنبش ملی شدن نفت به رهبری بزرگمرد تاریخ مصدق را سرکوب کند. برآستی نباید به عناد آگاهانه این شخص با جنبش های مبارزاتی باور داشت؟

آیا جنبش چریکی رهبر انقلابی نداشت؟ اگر نداشت چطور بود که هشت سال تمام چنان خواب شاه جلاد را برآشته کرده بود که شاه جلاد برای سر ۹ تن از چریکهای فدائی خلق جایزه ای معادل ۹۰۰ هزار تومان آنزمان تعیین کرده بود؟ چطور بود که شاه مدام می پرسیده حمید اشرف را پیدا کردید؟ و یا سازمان مجاهدین مگر رهبری نداشت؟ آیا کسی نمی داند بر سر موسی خیابانی چه آمد؟

نه، ایشان فکر می کند که مبارزه طبقاتی "هلو برو تو گلو" است! ایشان مطلقاً حاضر نیستند به نقش سرکوب ماشین سرمایه داری جهانی و نوکران شاه و ملایش حتی نیم نگاهی داشته باشند به همین دلیل هم آن نتیجه بسیار غلط را میگیرند که جنبش ها "رهبری انقلابی و کارآمد" نداشتند. یعنی هیچ کس نمی تواند تا این میزان دشمنی با جنبش های مبارزاتی داشته باشد. آیا کسی فراموش کرده که چه گوارا چطور در مسیر بولیوی توسط نوکران سی آی ای لو رفته و توسط سی آی ای کشته شد؟ آیا چه گوارا یک رهبر کارآمد و انقلابی نبود؟

اما نکته بسیار مهم و اصلی این است: رفیق یوسف زرکاری که آن قلم آلوده خود را پشت نام پرافتخار او پنهان می کند از اولین کارگران آگاه و مبارز تشکیل دهنده صفوف چریکهای فدائی خلق بود. کارگر کمونیستی که به صفوف این تشکل پیوست تا بتواند به وظیفه انقلابی خود در قبال طبقه خویش و مردم رنج دیده ایران، به بهترین وجه جامعه عمل بپوشاند. براستی چریک فدائی خلق رفیق یوسف زرکاری اگر "پشتوانه" مبارزه، تفکر و نظراتش اخبار "وزیر اطلاعات" بود که کارگر کمونیست نمی شد که چریک نمی شد و در مقابل دشمن طبقاتی اش نمی ایستاد و امروز می شد ناقل گفته های "وزیر اطلاعات" رژیم تروریست پیشه و سرکوبگر اسلامی نوکر امپریالیسم البته طرفدار جناح اصلاح طلب جانی همتای اصولگرای جنایتکار!

مرگ بر رژیم سرمایه داری اسلامی نوکر امپریالیسم با تمام جناح و دسته های جانی آن

زنده باد انقلاب

صباراهی

دی ماه [جدی] ۱۳۹۶

بعد از نوشتن: نویسنده (خیزشی برای نان مسکن آزادی) یک: هیچ گاه دیده نشده که قلمش نقش مزدوران تبهکاری همچون فرخ ارتجاع نگهدار، کسی که در زندانهای شاه جلا ببرد بود و امان نامه نوشته بود و بعد از پیروزی قیام پرشکوه ۵۷ و روی کار آوردن خمینی جلا از طرف امپریالیستها، در سازمان پرافتخار چریکهای فدائی خلق نفوذ کرد و باعث متلاشی شدن آن گردید، و همزمان در خدمت وزارت اطلاعات رژیم اسلامی قرار گرفته بود و یکی یکی فرزندان خلق را به دژخیمان معرفی می کرد و به گشتن می داد! نه، ایشان هرگز به این مزدوران امپریالیسم "توجهی" ندارد! چرا؟ جای سؤال است. تنها عنادش با انقلابیونی ست که با دشمن کارگران و زحمتکشان و محرومان هرگز سازش نکردند و در پی نام و نان نبودند!

دو: نیز هیچ گاه دیده نشده که به نقش منفور و خائن حزب توده در کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد و سرکوب جنبش نفت به رهبری بزرگمرد تاریخ مصدق توجهی نشان داده باشد! تنها اشتیاق عجیب ایشان در منحرف کردن نظر خواننده نادان است که هیچ جنبشی در ایران رهبر کارآمد و انقلابی نداشته است!